



**The International Jurisdiction Rules and Their
Relationship with the Conflict of Laws Rules:
A Comparative Study in the Egyptian and Iranian Law**

Mohammed Mjed Kabry¹| Azam Ansari²| Abdollah Khodabakhshi Shalamzari³

1. PhD in Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Iran kabry.mo@mail.um.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Iran
(Corresponding Author) aansari@um.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Iran
dr_khodabakhshi@um.ac.ir

Abstract

The international jurisdiction of courts is one of the main subjects of private international law, the rules of which determine the jurisdiction of national courts of countries in hearing private international disputes. There is no consensus among private international law scholars regarding the characteristics of international jurisdiction rules. Additionally, there is no uniform international approach to accepting criteria for laying down the international jurisdiction rules and every country follows its own policy. The current study with a descriptive-analytical method and a comparative approach aims to explain the main characteristics of the international jurisdiction rules and resolve any controversies regarding them. The study also aims to examine the most important criteria for laying down the international jurisdiction rules and the attitude of Egyptian and Iranian law towards these criteria. Furthermore, in this regard, the relationship between the international jurisdiction rules and conflict of law rules is considerable. Therefore, the study also points to examining the relationship between these rules and the possibility of their influence on each other.

Keywords: International Jurisdiction, Conflict of Laws, Procedural Rules, Substantive Rules, Defendant Domicile, Party Autonomy.

Received: 2024/07/22

Received in revised form: 2025/02/08

Accepted: 2025/02/25

Published: 2025/06/07

DOI: 10.22034/law.2025.62620.3402

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها و رابطه آنها با قواعد تعارض قوانین:

مطالعه تطبیقی در حقوق مصر و ایران

محمد مجد کابری^۱ | اعظم انصاری^۲ | عبدالله خدابخش شلمزاری^۳

kabry.mo@mail.um.ac.ir

aansari@um.ac.ir

dr_khodabakhshi@um.ac.ir

۱. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

چکیده

صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها یکی از مهم‌ترین مباحث حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی است که قواعد آن، صلاحیت دادگاه‌های ملی کشورها برای رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی را تعیین می‌کند. درباره ویژگی‌های قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. علاوه بر این، هیچ رویکرد بین‌المللی یکسانی برای پذیرش معیارهای وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی وجود ندارد و هر کشوری سیاست خود را دنبال می‌کند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با نگاهی تطبیقی، هدف تبیین ویژگی‌های قواعد صلاحیت بین‌المللی و حل و فصل اختلافات نظر پیرامون این قواعد را دنبال می‌کند. این مطالعه همچنین با هدف بررسی مهمترین معیارهای وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی و موضع حقوق مصر و ایران به این معیارها انجام شده است. افزون بر این، در این راستا، رابطه بین قواعد صلاحیت بین‌المللی و قواعد تعارض قوانین نیز مدنظر است. بنابراین، این مطالعه به بررسی رابطه بین این قواعد و امکان تأثیر آنها بر یکدیگر نیز اشاره دارد.

واژگان کلیدی: اقامتگاه خوانده، تعارض قوانین، حاکمیت اراده، صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، قواعد آیینی، قواعد ماهوی.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

DOI: 10.22034/law.2025.62620.3402



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

«صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها»^۱ یکی از موضوعات مهم «حقوق بین‌الملل خصوصی»^۲ است که به تعیین دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی می‌پردازد. بنابراین، درحالی که قواعد «تعارض قوانین»^۳ به تعیین قانون حاکم بر موضوع یک دعاوی بین‌المللی می‌پردازد، قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، صلاحیت دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به اختلافات خصوصی دارای عنصر خارجی را تعیین می‌کند. در حقوق مصر، قانون‌گذار، قواعدی اختصاصی را در خصوص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در مواد ۲۸ تا ۳۵ «قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری»^۴ شماره ۱۳ مصوب ۱۹۶۸ وضع کرده است و قضات مصر را از دشواری اجرای قواعد صلاحیت محلی داخلی در زمینه بین‌المللی و مشکلات ناشی از آن رها کرده است. برخلاف حقوق مصر، در حقوق ایران قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وضع نشده است. از این رو، برای احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران، قضات ایرانی ناگزیرند به قواعد صلاحیت محلی - که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ برای احراز صلاحیت رسیدگی به دعاوی داخلی وضع شده‌اند - رجوع نمایند.^۵

برخلاف قواعد تعارض قوانین، در بسیاری از نظام‌های حقوقی درباره ویژگی‌ها و ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. از این رو، ویژگی‌ها و ضوابط قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها همواره با قواعد تعارض قوانین مقایسه می‌شوند تا به‌نحوی ویژگی‌ها و ضوابط هرکدام از این دو موضوع مهم حقوق بین‌الملل خصوصی از یکدیگر متمایز شوند. از سوی دیگر، یکی از سؤالات مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها (صلاحیت قضایی بین‌المللی) و قواعد تعارض قوانین (صلاحیت قانونی بین‌المللی) می‌توانند بر یکدیگر تأثیر گذارند؟ به دیگر سخن، آیا تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعا می‌تواند بر تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعا تأثیری داشته باشد و

1. International Jurisdiction
2. Private International Law
3. Conflict of Laws

۴. قانون المرافعات المدنية والتجارية

۵. ماده ۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱.

آیا تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوا قادر است بر تعیین دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعوا مؤثر باشد؟ در راستای پاسخ به این سؤالات، مقاله حاضر در سه بخش مجزا نگارش یافته است: بخش نخست، به تبیین ویژگی‌های قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها می‌پردازد. بخش دوم، به بررسی انواع ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها اختصاص دارد. در بخش سوم مقاله، از رابطه بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی بین‌المللی بحث می‌شود. در پایان، نتیجه مطالب مطرح‌شده ارائه می‌گردد.

۱. ویژگی‌های قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

بررسی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف نشان می‌دهد که قواعد یادشده، ملی، آیینی و یک‌جانبه هستند. در این مطلب در ابتدا وصف ملی بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بررسی می‌شود و سپس به ترتیب، وصف آیینی و یک‌جانبه بودن قواعد پیش‌گفته مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱.۱. ملی بودن

قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها قواعدی ملی هستند و قانون‌گذار هر کشور این قواعد را بدون هماهنگی با دیگر نظام‌های حقوقی وضع می‌کند. لذا قواعد یادشده با قواعد تابعیت، حقوق بیگانگان و تعارض قوانین از این جهت شبیه هستند که قانون‌گذار هر کشور این‌گونه قواعد را وضع و قلمرو اعمال آنها را مشخص می‌کند.^۱ ملی بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در جامعه بین‌المللی معاصر، بدیهی به‌نظر می‌رسد، زیرا در حال حاضر یک مقام بلندپایه بین‌المللی وجود ندارد که صلاحیت را میان دادگاه‌های کشورها توزیع کند.

وصف ملی بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها واجد آثاری است: اولاً این قواعد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است؛ ثانیاً ماهیت ملی بودن در پذیرش ضوابط صلاحیت بین‌المللی و فهم اهداف آنها نقش مهمی دارد. از این رو، در برخی کشورها ضوابط صلاحیت داخلی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا اعمال صلاحیت قضایی در اختلافات داخلی و بین‌المللی یکی از جنبه‌های حاکمیت هر کشور است.

۶ احمد عبدالکریم سلامة، فقه المرافعات المدنية الدولية، (قاهرة: دارالنهضة العربية، ج ۱، ۲۰۰۰)، ص ۴۰.

همچنین صلاحیت قضایی برای رسیدگی به اختلافات داخلی و بین‌المللی تابع یک اصل کلی است و آن اینست که در هر موردی که رابطه جدی میان دعا و یک دادگاه وجود دارد، وجود این ارتباط برای احراز صلاحیت دادگاه یادشده کفایت می‌کند.^۷ برای نمونه، ضابطه صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده، صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به یک دعا در رسیدگی به دعاوی مرتبط با آن، از جمله ضوابط مشترک صلاحیت قضایی است که هم برای احراز صلاحیت رسیدگی به دعاوی داخلی و هم برای احراز صلاحیت رسیدگی به دعاوی بین‌المللی اعمال می‌شود. در هر حال، هرچند قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، قواعدی ملی هستند و قانون‌گذار هر کشوری مختار است تا قواعد مدنظر خود را وضع کند، اما آزادی قانون‌گذار در وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی به آن معنا نیست که او گوشه‌چشمی به قوانین کشورهای دیگر نداشته باشد. به دیگر سخن، حداقل از منظر تناسب (رعایت هماهنگی با قواعد دیگر کشورها)، قانون‌گذار هر کشور بایسته است در خصوص قواعد و ضوابط صلاحیت کشورهای دیگر بررسی‌هایی انجام دهد.^۸

شایان ذکر است وصف ملی بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها سبب شده که کشورها در خصوص وضع این قواعد، رویکردهای متفاوتی اتخاذ کنند؛ برخی نظام‌های حقوقی قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وضع نکرده‌اند و قواعد صلاحیت محلی را که اصولاً برای دعاوی داخلی وضع شده‌اند در دعاوی بین‌المللی نیز اعمال می‌کنند.^۹ در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی که قواعدی برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وضع شده است، در اغلب موارد یا قانونی مختص مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی وجود دارد که در این صورت قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را در این قانون ارائه می‌کنند^{۱۰}، یا در فقدان چنین قانونی، قواعد صلاحیت بین‌المللی را در قانون آیین دادرسی مدنی می‌گنجانند.^{۱۱} البته قانون‌گذاران در برخی نظام‌های

۷. همان، ص ۴۳-۴۱.

۸. حفیظه حداد، *النظرية العامة في القانون القضائي الخاص الدولي*، الكتاب الثاني، (بيروت: الحلبي الحقوقية، ج ۱، ۲۰۱۰)، ص ۵۱.

۹. همانند نظام حقوقی ایران، نک: به مواد ۱۱-۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی.

۱۰. همانند نظام حقوقی تونس، نک: مواد ۳-۱۰ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی، «مجلة القانون الدولي الخاص»، ش ۹۷، مصوب ۱۹۹۸.

۱۱. همانند نظام حقوقی مصر، نک: مواد ۲۸-۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری «قانون المرافعات المدنية والتجارية»، ش ۱۳، مصوب ۱۹۶۸.

حقوقی، علی‌رغم وضع قانونی مختص موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها به قواعد صلاحیت داخلی مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع می‌دهند.^{۱۲} در هر حال، صرف‌نظر از رویکرد نظام‌های حقوقی در چگونگی وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، این قواعد از مباحث اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی محسوب می‌شوند و جایگاه اصلی بررسی چنین قواعدی و مسائل پیرامون آن، حقوق بین‌الملل خصوصی خواهد بود.

۱.۲. آیینی بودن

در مقایسه قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها با قواعد تعارض قوانین ممکن است در وهله اول به نظر برسد قواعد تعارض قوانین پاسخ ماهوی به اختلاف ارائه نمی‌دهند، بلکه تنها برای تعیین قانون حاکم بر رابطه حقوقی اعمال می‌شوند. در مقابل، قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها به قانون تعیین‌کننده دادگاه صالح اشاره نمی‌کنند، بلکه به‌طور مستقیم دادگاه صالح را تعیین می‌کنند. از این رو، آیا می‌توان گفت قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها برخلاف قواعد تعارض قوانین، «قواعدی ماهوی»^{۱۳} محسوب می‌شوند؟

برخی حقوق‌دانان^{۱۴} مصری معتقدند قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، قواعد موضوعی یا ماهوی نیستند، بلکه آنها نیز همانند قواعد تعارض قوانین، قواعدی غیرمستقیم محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، قواعد صلاحیت دادگاه‌ها به خودی خود نمی‌توانند موضوع اختلاف را حل و فصل کنند، بلکه تنها دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلاف را تعیین می‌نمایند. بنابراین، ساختار قاعده صلاحیت، به ساختار قاعده تعارض قوانین نزدیک است، چراکه هر دوی آنها پاسخ ماهوی برای حل اختلاف ارائه نمی‌دهند، بلکه قاعده صلاحیت فقط دادگاه صالح و قاعده تعارض قوانین تنها قانون حاکم را تعیین می‌کند. برخی دیگر از حقوق‌دانان مصری بر این باورند که به‌طور کلی در مقایسه با قواعد ماهوی - مثلاً قواعد قانون مدنی - قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها ماهیت

۱۲. همانند نظام حقوقی ترکیه، طبق ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی و حقوق بین‌الملل خصوصی ترکیه "Act on Private International and Procedural Law" مصوب ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷، صلاحیت بین‌المللی محاکم ترکیه طبق قواعد صلاحیت داخلی تعیین خواهد شد.

13. Substantive Rules

۱۴. حفیظه حداد، پیشین، ص ۲۳.

ماهوی ندارند، بلکه در زمره «قوانین اجرایی یا آیینی»^{۱۵} محسوب می‌شوند، زیرا صرفاً تعیین‌کننده مرجعی (دادگاهی) هستند که از طریق آن می‌توان از روابط خصوصی حمایت کرد. در هر حال، این حقوق‌دان در ادامه بیان می‌دارد، قواعد صلاحیت از این منظر که محتوایی معین دارند، قواعد ماهوی محسوب می‌شوند، زیرا این قواعد به‌طور مستقیم صلاحیت رسیدگی را به یک دادگاه ملی اعطا می‌کنند یا آن را فاقد صلاحیت اعلام می‌دارند. به عبارت دیگر، محتوای معین قواعد صلاحیت، آنها را از قواعد تعارض قوانین متمایز می‌کند، زیرا قواعد تعارض قوانین، غیرمستقیم و دارای محتوایی نامعین هستند و مسئله نهایی را حل نمی‌کنند.^{۱۶} هم‌راستا با این نظر، برخی حقوق‌دانان ایرانی^{۱۷} بر این باورند که «در مبحث تعارض قوانین ما با قواعدی روبرو هستیم که تنها به تعیین قانون صلاحیتدار اکتفا می‌کنند و مسئله را مستقیماً و به‌طور ماهوی حل نمی‌کنند... درحالی که قواعد مربوط به تعارض دادگاه‌ها مستقیماً و به‌طور اساسی مسائل مربوط به صلاحیت دادگاه و آیین دادرسی را حل می‌کنند...».

گرچه دیدگاه اخیر و توجه به تفاوت قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها با قواعد تعارض قوانین موجه است، در هر حال، از آنجا که قواعد آیینی در یک معنای موسع شامل تمامی قواعدی است که به‌واسطه آنها حقوق و تکالیف اشخاص - که مبتنی بر قواعد ماهوی است - اعلام و اجرا می‌شود و در چنین معنایی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را نیز دربر می‌گیرد، لذا آیینی دانستن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مناسب می‌نماید؛ به‌ویژه که استفاده از صفت «ماهوی» برای این‌گونه قواعد ممکن است به خلط این موضوع با تقسیم‌بندی (قواعد ماهوی - قواعد شکلی) در سایر رشته‌های حقوقی مثل حقوق مدنی و حقوق آیین دادرسی مدنی منجر شود.

۱.۳. یک‌جانبه بودن

قانون‌گذار با وضع قاعده حل تعارض قوانین درصدد تحقق اهدافی است: هدف نخست قانون‌گذار این است که مناسب‌ترین قانون بر رابطه مورد اختلاف حاکم شود. مادام که یک رابطه

حقوقی با بیش از یک نظام حقوقی مرتبط است نمی‌توان به‌طور قطع بیان داشت که «قانون محل اقامه دعوا»^{۱۸} مناسب‌ترین قانون حاکم بر آن است. از این رو، اگر قاضی تشخیص دهد که قانون مقر دادگاه در این خصوص اعمال نمی‌شود، باید راهی برای اعمال قانونی دیگر بگشاید و اینجا هدف دوم نمایانگر می‌شود؛ با این توضیح که با فرض عدم صلاحیت قانون مقر دادگاه، برای جلوگیری از وجود خلأ حقوقی که ممکن است به انکار عدالت منجر گردد، قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا باید امکان اجرای قانون خارجی را داشته باشد. تنها راهی که اعمال قانون خارجی از سوی قاضی را ممکن می‌سازد، طراحی قواعد حل تعارض قوانین به صورت دوجانبه است. پس نقش یک قاعده حل تعارض قوانین، نه تنها تعیین موارد اعمال قانون ملی، بلکه تعیین موارد اعمال قانون خارجی هم شمرده می‌شود. این روش از سوی قانون‌گذاران نظام‌های حقوقی در طراحی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها دنبال نشده است و چنین امری با قواعد حقوق بین‌الملل عمومی تعارض دارد. با این توضیح که اعمال حاکمیت قضایی یکی از جنبه‌های مهم اعمال حاکمیت هر دولت است، از این رو، اگر قانون‌گذار موارد صلاحیت دادگاه‌های خارجی را تعیین کند، این به آن معناست که مقنن به نام و به‌جای آن دولت خارجی دست به اقدامی زده و حاکمیت آن دولت را نقض کرده است. بنابراین، قانون‌گذاران قواعد صلاحیت را به‌صورت یک‌جانبه وضع کرده، تنها موارد صلاحیت دادگاه‌های ملی خود را تعیین می‌نمایند و به صلاحیت دادگاه‌های خارجی توجهی ندارند. به این ترتیب، اگر قانون یک کشور صلاحیت دادگاه خارجی را تعیین کند - حتی اگر دادگاه خارجی طبق حقوق ملی خود واجد صلاحیت باشد، چنین تعیینی تجاوز به قوه قضاییه کشور خارجی محسوب می‌شود و دادگاه‌های آن کشور نیز به این تعیین بهایی نخواهند داد؛ زیرا دادگاه‌های هر کشور تنها اوامر قانون‌گذار خود را اعمال می‌کنند.^{۱۹}

بنابراین، وصف یک‌جانبه بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها سبب می‌شود که این قواعد از قواعد حل تعارض قوانین متمایز شوند. قواعد حل تعارض قوانین اصولاً قواعدی دوجانبه هستند و قانون حاکم را به‌طور کلی یا با بی‌طرفی تعیین می‌کنند. قانون حاکم ممکن است قانون خارجی یا قانون ملی باشد؛ با این حال، قواعد حل تعارض قوانین ممکن است یک‌جانبه باشند و این در فرضی محقق می‌شود که قاعده یادشده تنها به اعمال قانون ملی اشاره می‌نماید. در

18. Lex Fori

۱۹. احمد عبدالکریم سلامة، پیشین، ص ۳۹-۳۷.

مقابل، قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها همواره قواعدی یک‌جانبه هستند، زیرا قانون‌گذار فقط می‌تواند موارد صلاحیت دادگاه‌های ملی را تعیین کند و اگر دادگاه‌های خود را صالح نمی‌داند، توانایی این را ندارد که دادگاه‌های کشور دیگری را به‌عنوان دادگاه صالح معرفی کند. با این توضیح که قانون‌گذار هیچ کشوری چنین اختیاری ندارد که دادگاه‌های کشورهای دیگر را به رسیدگی و حل‌وفصل یک اختلاف وادار نماید و ورود به چنین حوزه‌ای به حاکمیت کشور خارجی خدشه وارد می‌سازد^{۲۰}. بنابراین، برخلاف قواعد تعارض قوانین، قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، صرفاً یک‌جانبه هستند.

۲. ضوابط تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بر ضوابط گوناگونی مبتنی هستند. در این مطلب به ترتیب، ابتدا انواع ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها تبیین و سپس ملاک زمانی احراز ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بررسی می‌شود.

۲.۱. انواع ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

بررسی رویکرد نظام‌های حقوقی در وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی از ضوابط متعددی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ملی استفاده می‌کنند. اقامتگاه یا محل سکونت خواننده، تابعیت خواننده، تابعیت خواهان، منشأ تعهد یا محل اجرای آن، محل وقوع مال، ارتباط دعاوی، جلوگیری از انکار عدالت و حاکمیت اراده، از جمله ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها هستند. در ادامه، ضوابط یادشده به ترتیب واکاوی می‌شوند.

۲.۱.۱. اقامتگاه یا محل سکونت خواننده

اقامتگاه یا محل سکونت خواننده رایج‌ترین ضابطه در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها است. در توجیه چنین ضابطه‌ای می‌توان بیان داشت که اصل بر براءت خواننده است تا زمانی که خلاف آن از سوی مدعی ثابت شود. بنابراین، مدعی که اقامه دعوا می‌کند و ادعای حقی بر دیگری دارد باید پیگیر خواننده باشد و ادعای خود را علیه وی ثابت کند. پس هدف این قاعده،

۲۰. محمد کمال فهمی، *اصول القانون الدولي الخاص*، (الإسكندرية: مؤسسة الثقافة الجامعية، ج ۳، ۱۹۹۲)، ص ۶۱۳ و ۶۱۴.

تسهیل دفاع خوانده از خود است؛ با این توضیح که دفاع از دعوا برای مدعی علیه در محل اقامت او آسان تر است و معمولاً هزینه کمتری را بر وی تحمیل می کند. نظر به قاعده معروف لزوم اقامه دلیل از طرف مدعی: «البینه علی المدعی»، می توان مدعی را ملزم دانست که دلایل خود را در محلی اقامه کند که دفاع از آن برای مدعی علیه بدون تحمل هزینه سنگین مقدور باشد و این محل طبیعتاً اقامتگاه مدعی علیه خواهد بود^{۲۱}. همچنین این قاعده با یکی از اصول مهم صلاحیت بین المللی یعنی تضمین تأثیر بین المللی آرا منطبق است؛ با این توضیح که اصولاً صدور رأی از دادگاه اقامتگاه خوانده، اعمال آثار رأی صادره علیه خوانده را تضمین می کند، زیرا اقامتگاه خوانده معمولاً محلی است که عمده فعالیت ها و اموال او در آنجاست^{۲۲}. مبنای صلاحیت اقامتگاه خوانده، حاکمیت دولت نیست، چرا که توسل به ایده حاکمیت و ایده های مشابه آن در تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه ها مناسب نیست، بلکه به طور کلی در حقوق بین الملل خصوصی صرفاً منافع اشخاص از جمله رعایت منفعت خوانده و عدم الزام وی برای جابه جایی به کشورهای دیگری جهت دفاع از خود مد نظر است^{۲۳}. شایان ذکر است که این ضابطه در حقوق مصر^{۲۴} و ایران^{۲۵} پذیرفته شده است.

۲.۲.۱. تابعیت خوانده

در برخی نظام های حقوقی بر صلاحیت بین المللی دادگاه کشور متبوع خوانده تأکید شده است. صلاحیت دادگاه ملی بر اساس این ضابطه بر یک مفهوم سیاسی مبتنی است که طبق آن از وظایف دستگاه قضایی در هر کشور اجرای عدالت نسبت به شهروندان خود می باشد. بنابراین، دادگاه های یک کشور باید صلاحیت رسیدگی به اختلافاتی را داشته باشند که اتباعش جزء طرفین اختلاف هستند؛ گرچه اتباع یادشده خارج از کشور متبوع خود مقیم باشند^{۲۶}. طبق این ضابطه صلاحیت، می توان علیه هر شخصی در دادگاه های کشور متبوع او اقامه دعوا نمود؛ اگرچه

۲۱. مرتضی نصیری، تعارض قوانین در تجارت بین المللی، (تهران: جاودانه، جنگل، چ ۲، ۱۳۹۶)، ص ۳۳۰.

۲۲. محمدخالد الترجمان، الاختصاص القضائي الدولي وآثار الأحكام الأجنبية، الكتاب الثاني، (القاهرة: شركة مطابع الطوبجی، چ ۱، ۲۰۰۳)، ص ۵۷.

۲۳. احمد عبدالکریم سلامة، پیشین، ص ۱۱۵.

۲۴. ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری

۲۵. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی

۲۶. حفیظه حداد، پیشین، ص ۵۴.

مقیم آن کشور نباشد، قانون آن کشور حاکم نباشد و دعوا هیچ ارتباطی با آن کشور نداشته باشد. چنین ضابطه‌ای از دیدگاه اعمال حاکمیت هر کشور بر اتباع خود نشئت گرفته است. برخلاف ضابطه محل اقامت یا سکونت خوانده، ضابطه تابعیت خوانده در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته نشده است. با این توضیح که اگر در توجیه صلاحیت دادگاه محل اقامت یا سکونت خوانده به اصل برائت خوانده استناد می‌شود، چنین توجیهی در خصوص قاعده صلاحیت دادگاه کشور متبوع خوانده قابل پذیرش نیست، زیرا ممکن است خوانده مقیم کشور متبوع خود نباشد؛ در این صورت وی مجبور می‌شود برای تدارک دفاع به کشور متبوع خود مسافرت کند که می‌تواند به زیان وی باشد. در حقوق مصر مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری چنانچه خوانده در یک دعوا مصری باشد، دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه او را دارند؛ اگرچه مقیم یا ساکن مصر نباشد. البته برخی حقوق دانان مصری منتقد چنین قاعده‌ای هستند و بر این باورند که این ضابطه وقتی مطلوب است که خوانده در کشور متبوع خود اقامتگاه یا اموالی داشته باشد اما صرف توجه به تابعیت برای اعلام صلاحیت دادگاه یک کشور به نتایج نامطلوبی منتهی می‌شود.^{۲۷} اگر شخص، خارج از کشور متبوع خود مقیم باشد و بخواهد در دادگاه آن کشور حاضر شود، بار سنگینی بر دوش او قرار می‌گیرد و این امر معارض با قاعده‌ای است که می‌گوید: خواهان به دنبال خوانده می‌رود. با این حال، ممکن است گفته شود که استفاده از ضابطه تابعیت خوانده از این جهت مهم است که ممکن است دادگاه صالحی برای رسیدگی به اختلاف وجود نداشته باشد. در پاسخ می‌توان گفت چنین فرضی محتمل نیست و تنها در موردی متصور است که خوانده فاقد محل سکونت و به عبارتی آواره باشد، اما در صورتی که اقامتگاه خوانده در کشور دیگری باشد، حتما دادگاهی وجود دارد که صلاحیت رسیدگی به دعوا را داشته باشد؛ زیرا مطابق حقوق اکثر کشورها، دادگاه محل اقامت خوانده، دادگاه صالح به رسیدگی است.^{۲۸} برخلاف حقوق مصر، در حقوق ایران به طور کلی ضابطه تابعیت خوانده در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مد نظر نیست و در نتیجه، صلاحیت دادگاه کشور متبوع خوانده پذیرفته نشده است.

۲۷. محمدخالد الترجمان، پیشین، ص ۵۶.

۲۸. عکاشه عبدالعال، الإجراءات المدنية والتجارية الدولية فی دولة الإمارات العربية المتحدة، (بیروت: الحلبي الحقوقية، ج ۱، ۲۰۰۰)، ص ۴۰.

۲.۱.۳. تابعیت خواهان

طبق این ضابطه، دادگاه کشور متبوع خواهان، صالح به رسیدگی به دعوا است. این ضابطه بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است، چراکه اولاً ایده چنین ضابطه‌ای به برهه‌ای از تاریخ برمی‌گردد که مراجعه به دادگاه امتیازی بود که تنها به شهروندان یک کشور اعطا می‌شد. این درحالی است که مفهوم صلاحیت قضایی امروزه مبتنی بر تحقق عدالت و حل و فصل اختلافات اشخاص است و تابعیت شخص در این خصوص مورد توجه نیست؛ ثانیاً چنین قاعده‌ای برای خوانده غیرمنصفانه است، زیرا خوانده مجبور می‌شود به دادگاه کشور خواهان مراجعه کند که ممکن است از اقامتگاه وی بسیار دور باشد و خوانده نیز هیچ رابطه‌ای با کشور خواهان نداشته باشد؛ ثالثاً ضابطه یادشده برخلاف اصل برائت خوانده است؛ رابعاً، باعث می‌شود گاهی خواهان با سوءنیت و با هدف آزار خوانده اقامه دعوا نماید و چنین قاعده‌ای او را یاری می‌کند^{۲۹}. همچنین بیان شده که این معیار، «مبتنی بر ملاحظات سیاسی و مصالح کشورها می‌باشد و در آن جنبه‌های حقوقی دخالتي ندارد»^{۳۰}. به این ترتیب، اینکه به خواهان اجازه داده شود که علیه خوانده خارجی در کشور خود اقامه دعوا کند، امتیاز غیرمتمارفی است که به نفع اتباع یک کشور ایجاد می‌شود و نتیجه مستقیم آن کاهش روابط خصوصی بین‌المللی و ایجاد مانع در زمینه همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی است، زیرا اتباع خارجی همواره بیمناک خواهند بود که با طرح دعاوی بی‌اساس از طرف اتباع یک کشور، منافع اقتصادی‌شان در آن کشور مورد تهدید قرار گیرد^{۳۱}. به نظر می‌رسد در حقوق مصر و ایران این ضابطه صلاحیت پذیرفته نشده است^{۳۲}.

۲۹. محمدخالد ترجمان، پیشین، ص ۵۵.

۳۰. همایون مافی و رشید ادبی فیروزجایی، «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، دانش حقوق مدنی، ش ۲ (۱۳۹۳)، ص ۵۹.

۳۱. مرتضی نصیری، پیشین، ص ۳۲۵.

۳۲. تابعیت خواهان به عنوان ضابطه صلاحیت در برخی نظام‌های حقوقی همانند نظام حقوقی فرانسه پذیرفته شده است. ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه مصوب ۲۰۱۶ مقرر می‌دارد: «یک نفر خارجی را حتی اگر مقیم فرانسه نباشد، می‌توان به منظور ایفای تعهدات قراردادی منعقد در فرانسه با یک نفر فرانسوی نزد دادگاه فرانسه فراخواند و همچنین خارجی را می‌توان به منظور ایفای تعهدات قراردادی منعقد در خارج به نفع تبعه فرانسه نزد دادگاه فرانسه فراخواند». به این ترتیب، طبق ماده یادشده، تابعیت فرانسوی خواهان برای اعمال صلاحیت کفایت می‌کند حتی اگر خوانده خارجی باشد و در فرانسه اقامتگاه یا محل سکونت نداشته باشد. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک: مرتضی نصیری، پیشین، ص ۳۲۸-۳۲۶ و نیز

Arthur Lenhoff, "International Law and Rules on International Jurisdiction", *Cornell Law Review*, Issue. 1 (1964), p. 7.

۲.۱.۴. منشأ تعهد یا محل اجرای آن

طبق این ضابطه، دادگاه کشور منشأ یا محل اجرای تعهد، برای رسیدگی به دعوا صلاحیت دارد. مبنای این ضابطه، ارتباط تعهد به کشور منشأ یا محل اجرای آن است. بنابراین، اگر قرارداد در کشوری منعقد یا اجرا شده باشد یا قرار است که در آن کشور اجرا شود، در این صورت دادگاه‌های کشور یادشده صالح به رسیدگی هستند. همچنین اگر حادثه‌ای زیان‌بار در کشوری رخ دهد، در این صورت دادگاه‌های آن کشور صلاحیت رسیدگی به دعوای ناشی از آن را خواهند داشت. این ضابطه به‌طور مطلق در مورد تعهدات قراردادی و غیرقراردادی در حقوق مصر پذیرفته شده است.^{۳۳} در حقوق ایران در مورد تعهدات قراردادی، دادگاه محل انعقاد قرارداد یا دادگاه محلی که قرارداد در آنجا اجرا می‌شود، صلاحیت رسیدگی به دعوای ناشی از آن را دارد.^{۳۴} در مقابل در خصوص دادگاه صالح در مورد تعهدات غیرقراردادی مقررهای وجود ندارد.^{۳۵} در هر حال، با توجه به اینکه قانون‌گذار در این خصوص قاعده صلاحیت ویژه‌ای وضع نکرده است، می‌توان به قاعده اصلی مندرج در ماده ۱۱ رجوع نمود و این‌گونه دعوای را مشمول قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده دانست.

۲.۱.۵. محل وقوع مال

به‌طور کلی وجود مال در یک کشور توجیه مناسبی است برای اینکه دادگاه‌های آن کشور صالح به رسیدگی به اختلافات راجع به مال یادشده باشند؛ با این توضیح که دادگاه‌های کشور محل وقوع مال می‌توانند اقدامات مربوط به کارشناسی و معاینه اموال را به‌سهولت انجام دهند. همچنین این دادگاه‌ها قادرند آرای صادره در خصوص مال پیش‌گفته را اجرا کنند، زیرا این مال در سرزمین آنها قرار دارد. در مورد اموال غیرمنقول در حقوق مصر^{۳۶} و ایران^{۳۷}، قاعده این است

۳۳. مستفاد از بند ۲ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری

۳۴. ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی

۳۵. سید حسین صفایی و حبیب‌اله رحیمی، مسئولیت مدنی تطبیقی، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۷)، ص ۴۸۷.

۳۶. مواد ۲۸، ۲۹ و بند ۲ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری

۳۷. بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی

که تنها دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به آن را دارد^{۳۸}. درباره دعاوی راجع به مال منقول در حقوق مصر، دادگاه محل وقوع مال منقول صلاحیت رسیدگی به دعاوی ناشی از آن را دارد^{۳۹}. در حقوق ایران، در دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد باید در آنجا اجرا شود^{۴۰}. همچنین خواهان امکان مراجعه به دادگاه محل اقامت خوانده را دارد^{۴۱}.

۲.۱.۶. ارتباط دعاوی

گاهی در کنار طرح دعوی اصلی، دعاوی مرتبط دیگری نیز مطرح می‌شود و مسئله صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی برای رسیدگی به دعاوی یادشده مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به امکان حدوث چنین فرضی، در حقوق برخی کشورها تصریح شده است که دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط را نیز دارد؛ گرچه در اصل صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط را نداشته باشد^{۴۲}. بنابراین برای مثال، چنانچه

۳۸. از آنجا که در این گونه موارد دادگاه‌های کشور محل وقوع مال غیرمنقول صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعاوی مربوط به آن را دارند، این سؤال مطرح است که آیا تمام دعاوی راجع به مال غیرمنقول در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور محل وقوع آن است؟ دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول ممکن است دعاوی شخصی یا دعاوی عینی باشد. مثال دعاوی عینی مربوط به مال غیرمنقول، دعوی است که صاحب حق عینی آن را اقامه می‌کند و می‌خواهد حق عینی او همانند حق مالکیت، انتفاع یا ارتفاق بر مال غیرمنقول ثابت شود. مثال دعاوی شخصی مربوط به مال غیرمنقول، دعوی است که خریدار یک مال غیرمنقول به موجب قرارداد ثبت‌نشده علیه فروشنده اقامه می‌کند و از دادگاه می‌خواهد با صدور یک حکم اعلام کند که قرارداد صحیح است و آن را اجرا کند تا مالکیت «حق عینی» به وی منتقل شود. در حقوق مصر، حقوق دانان اتفاق نظر دارند که تمام دعاوی مربوط به مال غیرمنقول در صلاحیت دادگاه محل وقوع آن است. نک: محمد خالد الترجمان، پیشین، ص ۷۷؛ صالح جاد منزلاوی، *الإختصاص القضائي بالمنازعات الخاصة الدولية و الاعتراف والتنفيد الدولي للأحكام الأجنبية*، (قاهرة: دارالجامعة الجديدة، ج ۱، ۲۰۰۸)، ص ۹۹. به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز تمام دعاوی راجع به مال غیرمنقول واقع در ایران، خواه ناشی از حق شخصی یا حق عینی، در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران محسوب می‌شود و اجرای حکم خارجی راجع به آن امکان‌پذیر نیست. دلیل چنین ادعایی، بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی راجع به شرایط اجرای احکام خارجی است که مقرر می‌دارد: «حکم راجع به مال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد». روشن است در عبارت «و حقوق متعلق به آن» قانون‌گذار، حقوق را به طور مطلق مدنظر قرار داده است.

۳۹. بند ۲ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری

۴۰. ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۱. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۲. برای مثال، می‌توان به ماده ۷ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی کشور تونس، ماده ۸ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس "Switzerland's Federal Code on Private International Law" مصوب ۱۹۸۷ و همچنین ماده ۶ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ایتالیا "Reform of the Italian System of Private International Law" مصوب ۱۹۹۵ اشاره کرد.

دادگاه‌های یک کشور صلاحیت رسیدگی به دعوی طلاق را داشته باشند، صلاحیت رسیدگی به هر دعوی مرتبط دیگری از جمله دعوی نفقه و حضانت اطفال را نیز خواهند داشت^{۴۳}. برخی^{۴۴} ادعا نموده‌اند «به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد، مسیر حرکت در حقوق دادرسی مدنی به سوی تحقق تعدیل بیشتر در مقررات صلاحیت به نفع گسترده شدن موارد ادغام دعوی است».

ضابطه صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط در حقوق مصر و ایران پذیرفته شده است. قانون‌گذار مصر تصریح نموده است در موردی که دادگاه‌های مصر طبق قواعد صلاحیت بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را دارند، صلاحیت رسیدگی به مسائل مقدماتی و دعوی طاری و به هر دعوی دیگر مرتبط با آن را نیز دارند^{۴۵}. در حقوق ایران نیز با اعمال قاعده صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط در دعوی داخلی برای دعوی بین‌المللی، به‌طور کلی می‌توان گفت در صورتی که دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را داشته باشد، صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط را نیز خواهد داشت^{۴۶}. در حقوق مصر^{۴۷} و ایران^{۴۸} در فرض تعدد خواندگان یک دعوا، که مصداقی از ارتباط دعوی نیز محسوب می‌شود، دادگاه محل اقامت یکی از خواندگان، دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا علیه دیگر خواندگان خواهد بود.

۲.۱.۷. جلوگیری از انکار عدالت

در صورتی که هیچ‌کدام از ضوابط پیش‌گفته وجود نداشته باشد، دادگاه‌های ملی یک کشور ممکن است برای جلوگیری از «انکار عدالت»^{۴۹}، خود را صالح به رسیدگی به یک دعوا اعلام کنند. با این توضیح که ممکن است در مواردی دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به یک اختلاف بین‌المللی وجود نداشته باشد و در صورت امتناع از رسیدگی به دعوا، اختلاف باقی بماند و احقاق حق صورت نگیرد. از این رو، در صورت بروز این وضعیت و جلوگیری از آثار نامطلوب آن، یعنی

۴۳. مبروک البنموسی، شرح مجلة القانون الدولي الخاص التونسي، (تونس: المغاربية للطباعة و النشر والاشهار، ج ۱، ۲۰۰۳)، ص ۹۴.

۴۴. مجید غمامی و حسین اسماعیلی، «تأثیر ارتباط دعوی در مقررات صلاحیت و دادرسی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۲۹ (۱۴۰۱)، ص ۱۸۷ و ۲۱۳.

۴۵. ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری

۴۶. ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی

۴۷. بند ۹ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری

۴۸. ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی

عدم حمایت از حقوق مشروع اشخاص، دادگاه‌ها در این‌گونه موارد خود را صالح به رسیدگی می‌دانند.^{۵۰} در حقوق مصر و ایران این ضابطه صلاحیت در برخی موارد خاص پذیرفته شده است.^{۵۱}

۲.۱.۸. حاکمیت اراده

امروزه طرفین یک قرارداد تجاری بین‌المللی در اغلب موارد مرجع صالح برای حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد را تعیین می‌کنند. برخی بیان داشته‌اند که توافق بر انتخاب دادگاه در مسئله صلاحیت بین‌المللی امری مرسوم است که در اصول آیین دادرسی مدنی فراملی هم به‌عنوان یک ضابطه صلاحیت مورد توجه قرار گرفته است.^{۵۲} حق تعیین دادگاه صالح ناشی از «اصل حاکمیت اراده»^{۵۳} است. مقتضای اصل یادشده این است که طرفین قرارداد بتوانند حقوق و تعهدات خود از جمله نحوه حل اختلافات و مرجع رسیدگی به آن را تعیین کنند.^{۵۴} طرفین قرارداد ممکن است رسیدگی به اختلاف خود را در دادگاه یک کشور خاص به دلیل موقعیت جغرافیایی یا

۵۰. حفیظه حداد، پیشین، صص ۶۰-۵۹.

۵۱. در حقوق مصر، برای جلوگیری از مواجهه با فرض انکار عدالت، صلاحیت دادگاه محل اقامتگاه خواهان استثنائاً و در مواردی محدود و مربوط به مسائل احوال شخصیه پذیرفته شده است. در این خصوص بند ۷ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر مقرر می‌دارد: «در خصوص دعاوی‌ای که علیه یک تبعه خارجی غیرمقیم یا غیرساکن در مصر اقامه می‌شوند، دادگاه‌های مصر در موارد آتی صلاحیت دارند: ... ۷. در صورتی که دعوا راجع به یکی از مسائل احوال شخصیه باشد و خواهان خارجی یا مصری مقیم در مصر باشد و خوانده اقامتگاه مشخصی در خارج ندارد یا قانون ملی [قانون مصر] بر دعوا حاکم است». در حقوق ایران، طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، دادگاه صالح دادگاه محل اقامتگاه خوانده در ایران است و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، دادگاه صالح دادگاه محل سکونت موقت وی در ایران است، و اگر نه اقامتگاه و نه محل سکونت موقت در ایران دارد، در صورتی که مال غیرمنقول در ایران دارد، دادگاه صالح دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است و اگر مال غیرمنقول در ایران ندارد، خواهان می‌تواند در دادگاه محل اقامت خود در ایران اقامه دعوا کند. طبق این استثناء هرگاه خوانده در ایران نه اقامتگاه داشته باشد و نه محل سکونت موقت و نه مال غیرمنقول، خواهان می‌تواند در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوا کند. نک: سید حسین صفایی، *مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی*، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۷۴)، ص ۲۱۳. به این ترتیب، طبق ماده یادشده، صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواهان به‌عنوان آخرین ملجأ تظلم‌خواهی خواهان مقیم ایران پذیرفته شده است. استفاده از این قاعده منحصر به اتباع ایرانی نیست و قانون‌گذار در پی حمایت قضایی از تمام اشخاص مقیم در کشور است. نک: رضا مقصودی، «صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۶ (۱۳۹۶)، ص ۲۳۱.

۵۲. همایون مافی و رشید ادبی فیروزجایی، پیشین، ص ۵۷.

53. Party Autonomy Principle

54. Nadia Salama, *Nature, Extent, and Role of Parties' Autonomy in the Making of International Commercial Arbitration Agreements*, Doctoral Dissertation, the University of Manchester, 2015, p. 70-71.

نظام دادرسی آن کشور برای خود مناسب‌تر بدانند. بهره‌مندی از یک دادرسی بی‌طرف نیز یکی از دلایل مهم انتخاب دادگاه در قراردادهای بین‌المللی است.^{۵۵} همچنین با انعقاد «توافق انتخاب دادگاه»^{۵۶} طرفین اختلاف می‌توانند از تجربه یا تخصص ویژه یک دادگاه در رسیدگی به دعاوی خاصی بهره‌مند شوند.^{۵۷} با تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد، اطراف قرارداد اطمینان بیشتری در روابط قراردادی خود خواهند داشت؛ همچنین خطر بروز اختلاف در مورد دادگاه صالح برای رسیدگی به دعا کاهش یافته، از بروز دادرسی موازی نسبت به یک دعوا در دو دادگاه صالح جلوگیری می‌شود.^{۵۸} با انتخاب دادگاه، هزینه‌های اقامه دعوا را می‌توان پیش‌بینی کرد و در نتیجه طرفین می‌توانند این مخارج را در تعیین حقوق و تعهدات خود در قرارداد مدنظر قرار دهند.^{۵۹} شایان ذکر است که این ضابطه صلاحیت در حقوق مصر^{۶۰} و ایران^{۶۱} پذیرفته شده است.

۲.۲. ملاک زمانی احراز ضوابط صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بر ضوابط متفاوتی مبتنی است. این ضوابط از حیث قابلیت تغییر به دو نوع تقسیم می‌شوند: ضوابط ثابت که امکان تغییر آنها وجود ندارد، مانند محل مال غیرمنقول یا محل انعقاد قرارداد؛ و ضوابط متغیر، به این معنی که ممکن است بعد از ایجاد،

55. Simone Stebler, "The Problem of Conflicting Arbitration and Forum Selection Clauses", *ASA Bulletin*, Issue. 1 (2013), p. 43.

56. Choice of Court Agreement

57. Felix Sparka, *Jurisdiction and Arbitration Clauses in Maritime Transport Documents - A Comparative Analysis*, (Hamburg: Springer, first edition, 2009), p. 5.

58. Kevin Clermont, "Governing Law on Forum-Selection Agreements", *Hastings Law Journal*, Issue. 3 (2015), p. 645.

59. David H Taylor, "The Forum Selection Clause: A Tale of Two Concepts", *Temple Law Review*, Issue 3, (1993), p. 785.

۶۰. طبق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر، توافق طرفین اختلاف برای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های مصر صراحتاً پذیرفته شده است.

۶۱. در حقوق ایران، گرچه قانون‌گذار درباره اجرای توافقی‌های انتخاب دادگاه سکوت کرده است، اما در برخی آرای صادره از دادگاه‌های ایران، توافق طرفین اختلاف برای سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور دیگری معتبر شناخته شده است. برای مثال، می‌توان به رأی صادره از شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۹۱۰۱۱۸۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸.ش اشاره نمود. رأی یادشده نیز در شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان مورد تأیید قرار گرفت. برای مطالعه متن این رأی نک: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4390>

همچنین می‌توان به رأی صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۹۰۰۷۱۸، مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۸.ش. اشاره کرد. برای مطالعه متن این رأی، نک: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/354>

تغییر پیدا کنند؛ محل مال منقول و تابعیت و اقامتگاه طرفین اختلاف از این دسته‌اند. از آنجا که نوع اول ضوابط صلاحیت، ثابت است، لذا مسئله ملاک زمانی احراز آنها مطرح نمی‌شود. اما درباره نوع دوم ضوابط صلاحیت، مسئله ملاک زمانی احراز آنها قابل توجه است؛ با این توضیح که در این گونه موارد، ضابطه صلاحیت که بر مبنای آن، صلاحیت دادگاه‌های ملی تعیین می‌شود ممکن است هنگام اقامه دعوا وجود داشته باشد، اما بعد از آن از بین برود. برای مثال، اختلاف ممکن است درباره مال منقولی باشد که در کشور دادگاه رسیدگی کننده در زمان اقامه دعوا موجود بوده، اما در زمان صدور رأی، در کشور دیگری باشد. همچنین خوانده ممکن است هنگام اقامه دعوا متبوع کشور دادگاه رسیدگی کننده باشد، اما هنگام صدور رأی، تابعیت خود را ازدست داده، متبوع کشور دیگری باشد^{۶۲}. بنابراین، سؤال این است که در چه زمانی ضابطه صلاحیت باید وجود داشته باشد تا دادگاه کشوری، صالح به رسیدگی باشد؟

در حقوق مصر در این خصوص حکمی وجود ندارد. حقوق دانی^{۶۳} بیان داشته است در صورت تغییر ضابطه صلاحیت بعد از اقامه دعوا و قبل از صدور رأی، دادگاه می‌تواند عدم صلاحیت خود را اعلام کند، چرا که قاضی مصری، دیگر قاضی صلاحیت‌دار برای رسیدگی نیست؛ با این توضیح که صلاحیت دادگاه‌های مصر ممکن است بر ضابطه ضعیفی همانند ضابطه تابعیت خوانده مبتنی باشد و تغییر چنین ضابطه‌ای بعد از اقامه دعوا سبب می‌شود که ارزش عملی رأی صادره مورد تردید قرار گیرد. عده‌ای دیگر^{۶۴} معتقدند ملاک زمانی احراز ضابطه صلاحیت، زمان اقامه دعوا است؛ بنابراین، اگر ضابطه صلاحیت در زمان اقامه دعوا محقق باشد، دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی خواهند داشت؛ مثلاً اگر در زمان اقامه دعوا، مال منقول در مصر باشد، دادگاه‌های مصر برای رسیدگی به دعوای مربوط صالح خواهند بود و تغییر ضابطه صلاحیت بعد از اقامه دعوا، مثلاً انتقال مال منقول به کشوری دیگر یا تغییر اقامتگاه خوانده، بر صلاحیت دادگاه تأثیری نخواهد داشت. در توجیه این نظر گفته شده است که این دیدگاه نوعی اطمینان حقوقی برای طرفین دعوا و حسن اجرای عدالت ایجاد می‌کند. همچنین بدون تردید دادگاهی که شروع به

۶۲ عکاشه عبدالعال، پیشین، ص ۱۰۹-۱۰۸؛ احمد عبدالکریم سلامة، پیشین، ص ۲۷۴.

۶۳ حفیظه حداد، پیشین، ص ۱۷۱.

۶۴ عزالدین عبدالله، القانون الدولي الخاص، الجزء الثاني، (قاهرة: الهيئة العامة للكتاب، ج ۱، ۱۹۸۶)، ص ۷۴۹ و احمد عبدالکریم سلامة، پیشین، ص ۲۷۸.

رسیدگی به دعوا نموده و اقداماتی در این راستا انجام داده، دلایل را بررسی کرده و شهادت شهود را استماع کرده است، حق دارد رسیدگی را تا صدور رأی ادامه دهد. افزون بر این، با اعمال این نظر، خواهان ملزم به اقامه دعوا در دادگاه کشور دیگری نخواهد بود و در نتیجه این امر به صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌انجامد. همچنین با پذیرش چنین نظری، طرف ضعیف رابطه حقوقی در مقابل سوءنیت طرف مقابل حمایت می‌شود، زیرا طرف مقابل ممکن است در تغییر ضابطه صلاحیت و اعطای صلاحیت به دادگاهی دیگر، که فاصله بسیاری با اقامتگاه طرف ضعیف دعوا دارد، نقش مهمی ایفا کند.^{۶۵}

به نظر می‌رسد در حقوق ایران، قانون‌گذار دیدگاه اخیر را پذیرفته است؛ با این توضیح که در دعوای داخلی، قانون‌گذار در ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت این گونه تعیین تکلیف کرده است: «تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد». اعمال حکم ماده یادشده در دعوای بین‌المللی منجر به این می‌شود که در صورتی که دادگاه ایران مناط صلاحیت را احراز نموده باشد، می‌تواند به دعوا رسیدگی کند؛ فارغ از اینکه بعد از احراز صلاحیت، ضابطه صلاحیت تغییر پیدا کرده است یا خیر.^{۶۶} به این ترتیب می‌توان گفت در صورتی که خوانده خارجی در زمان اقامه دعوا مقیم ایران باشد، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهند داشت؛ حتی اگر بعد از اقامه دعوا اقامتگاه خوانده به کشور دیگری منتقل شود.^{۶۷}

۳. رابطه بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی بین‌المللی

اصل این است که تلازمی بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی بین‌المللی وجود ندارد. به عبارت دیگر، صلاحیت قضایی بین‌المللی نمی‌تواند بر مسئله صلاحیت قانونی

۶۵. احمد عبدالکریم سلامة، پیشین، ص ۲۷۹-۲۷۸.

۶۶. برای مطالعه بیشتر درباره ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران نک: عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره جدید)، ج ۱، (تهران: دراک، چ ۷، ۱۳۸۴)، ص ۴۰۸؛ حمید ابهری و محمدرضا برزگر، آیین دادرسی مدنی ۱ (دعای و صلاحیت‌ها)، ج ۱، (تهران: مجد، چ ۱، ۱۳۹۶)، ص ۱۵۷-۱۶۲.

۶۷. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی

اثری داشته باشد و برعکس. با این حال، اصل یادشده مطلق نیست و مواردی وجود دارد که این دو نوع صلاحیت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در ادامه، ضمن بررسی اصل عدم تلازم بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی، استثنای مقرر بر این اصل واکاوی می‌شود.

۳.۱. اصل عدم تلازم بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی بین‌المللی

امروزه اصل مورد قبول در تمام نظام‌های حقوقی این است که برای حسن مدیریت و انتظام روابط خصوصی بین‌المللی، باید دو صلاحیت قضایی و صلاحیت قانونی را مستقل از یکدیگر بدانیم. بنابراین، بین صلاحیت دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به دعوا، با اعمال قانون آن کشور بر دعوای یادشده ملازمه‌ای وجود ندارد. در نتیجه، طبق این اصل ممکن است دادگاه یک کشور صلاحیت رسیدگی به دعوایی را داشته باشد اما آن دعوا را مطابق قانون کشور دیگری رسیدگی کند.^{۶۸} برای مثال، اگر یک زن و شوهر مصری و مقیم ایران که متقاضی طلاق توافقی باشند به دادگاه ایرانی مراجعه کنند، در این صورت، دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارد، اما قانون ایران بر دعوای یادشده حاکم نیست؛ با این توضیح که در چنین دعوایی دادگاه ایرانی باید طبق قاعده مندرج در ماده ۷ قانون مدنی ایران به قانون احوال شخصیه مصر مراجعه و مطابق آن به دعوا رسیدگی نماید.^{۶۹}

در توجیه عدم تلازم بین صلاحیت قضایی و صلاحیت قانونی، می‌توان گفت تلازم بین این دو نوع صلاحیت، منجر به این نتیجه می‌شود که دعوا باید در کشوری اقامه شود که قانون آن بر دعوا حاکم باشد. بدون تردید، این امر فی‌نفسه دشواری‌هایی به دنبال دارد، ازجمله اینکه سبب می‌شود طرفین دعوا ناچار باشند علی‌رغم بُعد مسافت و لزوم صرف هزینه‌های قابل توجه، برای حل اختلاف به دادگاه کشور قانون حاکم بر دعوا مراجعه کنند. همچنین تلازم بین این دو نوع صلاحیت ممکن است به دلیل تفاوت قواعد حل تعارض قوانین، میان نظام‌های حقوقی منجر به دشواری‌های حقوقی شود. برای مثال، ممکن است طرفین اختلاف به دادگاهی در مصر مراجعه کنند، اما دادگاه یادشده قانون ایالات متحده آمریکا را حاکم بر دعوا بداند و در نتیجه طرفین را

۶۸. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۷۳.

۶۹. ماده ۷ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع مقررات دولت متبوع خود خواهند بود».



ملزم کند که دعوا را در ایالات متحده اقامه کنند. در مقابل، ممکن است دادگاه ایالات متحده، قانون مصر را بر اختلاف حاکم بداند. افزون بر این، خواهان ممکن است بی تابعیت یا پناهنده سیاسی باشد. بر فرض اینکه قانون حاکم بر اختلاف، قانون کشور متبوع او باشد، روشن است تا چه اندازه هدایت او به اقامه دعوا در آن کشور منجر به انکار عدالت می‌شود.^{۷۰} به این ترتیب، اصل عدم تلازم بین صلاحیت قضایی و صلاحیت قانونی بین‌المللی، کاملاً موجه و مورد پذیرش تمام نظام‌های حقوقی است.^{۷۱}

۳.۲. استثنای اصل عدم تلازم بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی بین‌المللی

اگر نظام‌های حقوقی اصرار داشته باشند که دادگاه‌های آنها تنها قوانین خودشان را اعمال کنند، مسئله اعمال قانون خارجی و در نتیجه موضوع اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح نخواهد شد و هر دادگاه صرف‌نظر از وجود عنصر بین‌المللی در یک اختلاف، تنها قوانین خود را اعمال می‌نماید. از این رو، اصل عدم تلازم بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی از اصول اساسی و یکی از دلایل وجود رشته «حقوق بین‌الملل خصوصی»^{۷۲} است. با این همه، در مواردی اصل عدم تلازم نقض می‌شود و صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به تعبیر برخی نویسندگان «بین تعارض قوانین و تعارض صلاحیت، یک نوع ارتباط و همبستگی وجود دارد که سبب تأثیر متقابل این دو در یکدیگر می‌شود»^{۷۳}. در این مطلب، به ترتیب تأثیر صلاحیت قضایی بین‌المللی بر صلاحیت قانونی بین‌المللی و سپس، تأثیر صلاحیت قانونی بین‌المللی بر صلاحیت قضایی بین‌المللی واکاوی می‌شود.

۳.۳. تأثیر صلاحیت قضایی بین‌المللی بر صلاحیت قانونی بین‌المللی

زمانی که یک اختلاف بین‌المللی در دادگاه یک کشور اقامه شود، اولین سؤالی که برای دادگاه مطرح می‌شود این است که آیا صلاحیت رسیدگی به دعوا دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت

۷۰. محمد کمال فهمی، پیشین، ص ۶۰۸.

۷۱. برای مطالعه بیشتر درباره پیشینه تاریخی اصل استقلال این دو نوع صلاحیت نک: سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۷۳ به بعد.

72. Private International Law

۷۳. همایون مافی و رشید ادبی فیروزجایی، پیشین، ص ۵۰.

باشد، دادگاه با لحاظ قواعد حل تعارض خود به تعیین قانون حاکم بر دعوا می‌پردازد. از آنجا که تعیین صلاحیت قضایی مرحله قبل از تعیین قانون حاکم است، تأثیر صلاحیت قضایی بر صلاحیت قانونی بدیهی به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه که هر کشوری آزادانه قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها و قواعد حل تعارض قوانین را وضع می‌کند. به این ترتیب، اگر صلاحیت دادگاه یک کشور برای رسیدگی به یک دعوی بین‌المللی احراز شود، این دادگاه قواعد حل تعارض قوانین کشور خود را اعمال می‌کند. قواعد حل تعارض قوانین از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بنابراین، بسته به اینکه دعوا در دادگاه چه کشوری رسیدگی شود، به احتمال زیاد، نتیجه دعوا متفاوت خواهد بود.^{۷۴} حتی در فرضی که در دو کشور قواعد حل تعارض یکسان باشد، هنوز احتمال تفاوت نتیجه نهایی دعوا وجود دارد؛ با این توضیح که برای تعیین قانون حاکم بر یک دعوی بین‌المللی، دادگاهی که دعوا در آن اقامه شده است، باید قواعد حل تعارض قوانین در حقوق خود را اعمال کند. درجه الزام قاضی به اعمال این قواعد، میان نظام‌های حقوقی یکسان نیست، زیرا برخی نظام‌های حقوقی همانند انگلستان، به قاضی اجازه نمی‌دهند که رأساً و بدون استناد اصحاب دعوا قواعد حل تعارض را اعمال کند. در مقابل، برخی دیگر از نظام‌های حقوقی همانند آلمان، قاضی را رأساً به اعمال قواعد حل تعارض ملزم می‌کنند. این اختلاف میان نظام‌های حقوقی در درجه الزام قاضی به اعمال قواعد حل تعارض منجر به تفاوت نتیجه نهایی دعوا می‌شود.^{۷۵} همچنین در همین مرحله، قاضی مسئله مورد اختلاف را مطابق قانون مقرر دادگاه توصیف می‌کند.^{۷۶} بنابراین در خصوص یک موضوع، قاضی یک کشور ممکن است مسئله را به عنوان یکی از مسائل احوال شخصیه توصیف کند و آن را تابع قانون کشور متبوع فرد یا قانون اقامتگاه او بداند، درحالی که قاضی کشور دیگر آن را به عنوان مال توصیف کند و لذا دعوا را تابع قانون محل وقوع مال بداند. این اختلاف در توصیف باعث اختلاف در نتیجه نهایی دعوا می‌شود.^{۷۷} افزون بر این، گاهی در مرحله اعمال قانون خارجی تعیین شده طبق قواعد تعارض

۷۴. محمدخالد ترجمان، پیشین، ص ۴۰؛ نجادعلی الماسی، پیشین، ص ۱۳.

۷۵. محمدخالد ترجمان، همان.

۷۶. در خصوص تعارض قوانین در توصیف‌های گوناگون (توصیف اولیه، مقدماتی و توصیف عامل ارتباط)، نک: سید عباس سیدی آرانی، «مانع‌زدایی از هماهنگی راهکارهای دادگاه‌ها در موضوع توصیف (با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق فرانسه)»، مطالعات حقوق تطبیقی

معاصر، ش ۳۳ (۱۴۰۲)، ص ۱۶۷-۱۳۳.

۷۷. محمدخالد ترجمان، همان.

قوانین، قاضی با مسئله «احاله»^{۷۸} روبه‌رو می‌شود.^{۷۹} درباره این مسئله کشورها رویکردهای متفاوتی دارند: برخی احاله را به‌طور کلی می‌پذیرند و برخی دیگر پذیرای احاله نیستند.^{۸۰} همچنین بعضی میان انواع احاله تمایز قائل می‌شوند که این امر بدون تردید به تغییر قانون حاکم بر دعوا و تغییر نتیجه نهایی دعوا خواهد انجامید.^{۸۱} همچنین نظم عمومی به‌عنوان مانع اعمال قانون خارجی، مفهوم ثابت و روشنی ندارد و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و حتی در یک کشور از زمانی به زمان دیگر تفاوت پیدا می‌کند. بنابراین، به دلیل تفاوت در مفهوم نظم عمومی، دادگاه یک کشور ممکن است قانون خارجی را اعمال کند، چون مخالفت با نظم عمومی کشور مقرر دادگاه نیست؛ درحالی که دادگاه کشور دیگری ممکن است همان قانون خارجی را معارض با نظم عمومی بداند و آن را اعمال نکند. بنابراین، تأثیر صلاحیت قضایی بین‌المللی بر صلاحیت قانونی بین‌المللی انکارناپذیر است.

۳.۴. تأثیر صلاحیت قانونی بین‌المللی بر صلاحیت قضایی بین‌المللی

برخلاف تأثیر صلاحیت قضایی بین‌المللی بر صلاحیت قانونی بین‌المللی که به تعبیر برخی^{۸۲} یک امر طبیعی است، بحث از تأثیر صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی بین‌المللی ممکن است

78. Renvoi

۷۹. در تعریف احاله و انواع آن گفته شده است: «اگر [در رابطه بین دو سیستم حل تعارض هر سیستم برای حل قضیه به سیستم دیگر ارجاع می‌دهد... در این صورت، مسئله پیچیده‌ای مطرح می‌شود که معروف به مسئله «احاله» است». «احاله درجه اول... احاله‌ای است که قانون خارجی به قانون کشوری می‌کند که قضیه در آن مطرح است... احاله درجه دوم... احاله‌ای است که قانون خارجی به قانون کشور ثالثی می‌کند» (الماسی، پیشین، ص ۸۹ و ۹۰).

۸۰. قانون‌گذار مصر در ماده ۲۷ قانون مدنی شماره ۱۳۱ مصوب ۱۹۴۸ صراحتاً احاله را به‌طور مطلق نپذیرفته است.

۸۱. برای مثال، در حقوق ایران احاله درجه اول مورد پذیرش صریح قانون‌گذار است. در این خصوص ماده ۹۷۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگر احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد». از این رو، می‌توان گفت وقتی دادگاه ایران تشخیص دهد که قانون کشور دیگر حاکم است و این قانون قاضی را به اعمال قانون ایران ارجاع می‌دهد، در این صورت دادگاه مکلف است قانون خود را بر دعوا حاکم کند، اما در صورتی که احاله یادشده به قانون ایران نباشد، بلکه به قانون کشوری ثالث باشد، یعنی احاله درجه دوم رخ دهد، چنین احاله‌ای مورد پذیرش قانون‌گذار ایران نیست. نک: نجادعلی الماسی، پیشین، صص ۹۸-۱۰۱؛ مرتضی نصیری، پیشین، صص ۲۰-۲۱؛ محمدجواد شریعت باقری، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران: میزان، چ ۲، ۱۳۹۶)، ص ۲۶۰.

Seyed Nasrollah Ebrahimi, "An Overview of the Private International Law of Iran" in Andrea Bonomi & Gian Paolo Romano, *Yearbook of Private International Law*, No. 12, (Germany: Sellier European Law Publishers, 2010), p. 526.

۸۲. نجادعلی الماسی، پیشین، ص ۱۳.

عجیب به نظر برسد و این سؤال مطرح شود که چطور ممکن است صلاحیت قانون یک کشور، که پس از احراز صلاحیت دادگاه تعیین می‌شود، بر صلاحیت دادگاه یادشده در رسیدگی به دعوا تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد؟ با این حال، در نظام‌های حقوقی مختلف مواردی مشاهده می‌شود که صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی تأثیرگذار است. این تأثیر ممکن است مثبت باشد و صلاحیت قانون یک کشور به‌عنوان قانون حاکم بر اختلاف، صلاحیت قضایی را برای دادگاه‌های آن کشور به‌ارمغان آورد. در مقابل، این تأثیر ممکن است منفی باشد و حاکم بودن قانون یک کشور بر دعوا منجر به این شود که با اینکه دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به دعوا صلاحیت دارند، از خود نفی صلاحیت کنند. در مطلب آتی دو اثر مثبت و منفی صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی بین‌المللی تبیین می‌شوند.

۳.۴.۱. اثر مثبت صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی

در برخی موارد ممکن است دادگاه‌های کشوری صلاحیت رسیدگی به یک اختلاف را نداشته باشند؛ با این همه، از آنجا که قانون این کشور بر اختلاف حاکم است، دادگاه‌های کشور یادشده صلاحیت رسیدگی به دعوا را احراز کنند. برای مثال، ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر مقرر می‌دارد: «در خصوص دعاوی‌ای که علیه یک تبعه خارجی غیرساکن یا غیرمقیم در مصر اقامه می‌شوند، دادگاه‌های مصر در موارد آتی صلاحیت دارند: ... ۷. در صورتی که دعوا راجع به یکی از مسائل احوال شخصیه باشد و خواهان خارجی یا مصری مقیم در مصر باشد و خوانده اقامتگاه مشخصی در خارج نداشته یا قانون ملی [قانون مصر] بر دعوا حاکم باشد»^{۸۳}. طبق این ماده در موردی که اختلاف راجع به یکی از مسائل احوال شخصیه باشد و خواهان دعوا یک تبعه خارجی یا یک تبعه مصری مقیم در مصر باشد، در این صورت اگر خوانده اقامتگاه مشخصی در کشور دیگری نداشته باشد یا اگر قانون مصر بر دعوا حاکم باشد، دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی به دعوا را پیدا می‌کنند؛ به این ترتیب، در موضوع یادشده صلاحیت قانون مصر به‌عنوان قانون حاکم بر اختلاف، صلاحیت دادگاه‌های مصر را به‌ارمغان می‌آورد.

۸۳. «تختص محاکم الجمهوریه بنظر الدعاوی التي ترفع على الأجنبي الذي له ليس له موطن أو محل إقامة في الجمهوریه وذلك في الأحوال الآتية: ۷. إذا كانت الدعوى متعلقة بمسألة من مسائل الأحوال الشخصية وكان المدعى وطنياً أو كان أجنبياً له موطن في الجمهوریه، وذلك إذا لم يكن للمدعى عليه موطن معروف في الخارج أو إذا كان القانون الوطني واجب التطبيق في الدعوى».

۳.۴.۲. اثر منفی صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی

در برخی موارد دادگاه‌های یک کشور صلاحیت رسیدگی به دعا دارند، با این حال از رسیدگی خودداری می‌کنند، زیرا قانون ملی آن کشور بر دعوا حاکم نیست و نوعی بیگانگی میان آن دعوا با نظام حقوقی کشور مقرر دادگاه وجود دارد. مثال روشن این مورد در رویه قدیمی دادگاه‌های انگلستان مشاهده می‌شود. برای مثال، در مورد دعاوی‌ای که در دادگاه‌های انگلستان راجع به مسئله «تعدد زوجات»^{۸۴} مطرح می‌شد، دادگاه‌های این کشور به‌رغم داشتن صلاحیت، از رسیدگی به اختلاف امتناع می‌کردند. در توجیه چنین رویه‌ای، بیان می‌شد که دادگاه‌های انگلستان به موضوع اختلاف آشنایی ندارند و تعدد زوجات با نظام حقوقی انگلستان که اصل وحدت ازدواج (زوجۀ واحد) را به رسمیت می‌شناسد کاملاً بیگانه است.^{۸۵}

در نتیجه می‌توان گفت اگرچه اصل بر عدم تلازم بین صلاحیت قضایی بین‌المللی و صلاحیت قانونی است، اما همان‌طور که تبیین شد، در برخی موارد محدود و به‌صورت استثنایی، این دو نوع صلاحیت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. هم‌راستا با این نظر، برخی حقوق‌دانان ایرانی^{۸۶} معتقدند در دعاوی بین‌الملل خصوصی، قاضی مسئله صلاحیت قضایی بین‌المللی و تعارض قوانین را به‌طور هم‌زمان و با هم مدنظر قرار می‌دهد و «برحسب قانونی که باید به موقع اجرا گذارد خود را صالح برای رسیدگی به دعوا اعلام می‌کند». به‌نظر می‌رسد در دعاوی بین‌الملل خصوصی، چنانچه قاضی متوجه شود که در صورت اعلام صلاحیت، باید طبق قواعد حل تعارض، قانون خارجی را اعمال نماید که آگاهی نسبت به آن ندارد، تلاش می‌کند تا- در صورتی که ممکن باشد- با توسل به قواعد صلاحیتی اعلام عدم صلاحیت نماید. این مسئله به‌ویژه در نظام‌های حقوقی که اثبات قانون خارجی برعهده قاضی است می‌تواند به‌خوبی اثر منفی

84. Polygamous Marriage

۸۵. عکاشه عبدالعال، پیشین، ص ۲۸-۲۷؛ در هر حال، در نتیجه انتقادهای بسیار نسبت به چنین رویکردی و آثار نامطلوب آن، ازجمله انکار عدالت، در سال ۱۹۷۳ قانون‌گذار انگلستان با وضع قانون (Matrimonial Causes Act, 1973) تعدد زوجات اتباع خارجی را که

قانون متبوعشان تعدد زوجات را مجاز می‌داند، به رسمیت شناخته است. برای مطالعه بیشتر، نک:

John Humphrey Carlile Morris, "The Recognition of Polygamous Marriages in English Law", *Harvard Law Review*, No. 6, (1953), pp. 961-1012; Lucy Carroll, "Recognition of Polygamous Marriages in English Matrimonial Law: The Statutory Reversal of Hyde V. Hyde in 1972", *Journal of Muslim Minority Affairs*, No. 1, (1984), pp. 81-98.

۸۶. نجادعلی الماسی، پیشین، ص ۱۴.

صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی بین‌المللی را نشان دهد. شاید به همین دلیل است که امروزه موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه‌ای در زمینه اثبات قانون خارجی میان برخی کشورها منعقد می‌شوند تا از مشکلات قضات در اثبات قانون خارجی و به تبع آن، اثر منفی صلاحیت قانونی بر صلاحیت قضایی بکاهند.^{۸۷}

نتیجه

در این مقاله تلاش شده است ویژگی‌ها و ضوابط قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از یک سو و رابطه قواعد یادشده با قواعد تعارض قوانین از سوی دیگر تبیین شود. یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها همانند قواعد تعارض قوانین، قواعدی ملی و غیرماهوی هستند. با این حال، برخلاف قواعد تعارض قوانین، قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، قواعدی یک‌جانبه هستند و تنها به تعیین موارد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ملی توجه دارند و به تعیین دادگاه‌های خارجی صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعاوی نمی‌پردازند. به دیگر سخن، در صورتی که دعوایی اقامه شود، دادگاه با توجه به قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بررسی می‌کند که آیا صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد یا خیر. چنانچه صلاحیت را احراز کند، شروع به رسیدگی می‌کند و اگر خود را صالح به رسیدگی نداند، تلاشی در جهت تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار کشور دیگری مصروف نمی‌دارد تا اختلاف را به آن دادگاه ارجاع دهد، بلکه صرفاً دعوا را رد می‌کند.

برخلاف حقوق مصر که قواعد ویژه‌ای برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وضع کرده، در حقوق ایران قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها پیش‌بینی نشده است. بنابراین در صورتی که یک دعوای بین‌الملل خصوصی در دادگاه‌های ایران مطرح شود، دادگاه‌ها باید با توسل به قواعد صلاحیت داخلی، به‌خصوص قواعد صلاحیت نسبی یا محلی، صلاحیت خود را برای رسیدگی به اختلاف احراز نمایند. نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی مصر و ایران از ضوابط گوناگونی در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آنها اقامتگاه یا محل سکونت خواننده، تابعیت خواننده، منشأ تعهد یا محل اجرای آن، محل وقوع مال،

۸۷. برای مطالعه بیشتر در خصوص مشکلات اثبات قانون خارجی و موافقت‌نامه‌های مرتبط، نک: اعظم انصاری، «ضرورت همکاری بین‌المللی در اثبات قانون خارجی»، حقوق خصوصی، ش ۱ (۱۳۹۴)، ص ۷۴-۵۳.

ارتباط دعاوی، جلوگیری از انکار عدالت و حاکمیت اراده است. در هر حال، اختلافاتی نیز در این زمینه مشاهده می‌شود. برای مثال، قانون‌گذار مصر ضابطه تابعیت خوانده را با صراحت پذیرفته است، درحالی که به این ضابطه در حقوق ایران توجهی نشده است. همچنین بررسی ضوابط یادشده نشان می‌دهد که این ضوابط بر ارتباط موضوع دعوا یا طرفین آن با کشور محل دادگاه مبتنی هستند. برای مثال، ضابطه اقامتگاه یا محل سکونت خوانده، صلاحیت دادگاه محل اقامت یا سکونت وی را برای رسیدگی به هرگونه دعوا علیه وی به دلیل ارتباط دعوا با آن کشور توجیه می‌کند. از این رو، می‌توان گفت در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها احراز ارتباط میان دعوا و کشور مقر دادگاه امری ضروری است و بدون تحقق این ارتباط، دادگاه‌ها نمی‌توانند صلاحیت خود را برای رسیدگی به یک دعوی خصوصی بین‌المللی اعلام کنند. افزون بر این، تنوع ضوابط تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها و رویکرد متفاوت نظام‌های حقوقی نسبت به پذیرش آنها، وصف یک‌جانبه بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی و فقدان یک کنوانسیون جامع بین‌المللی در خصوص توزیع صلاحیت قضایی میان دادگاه‌های کشورهای مختلف سبب شده است که در برخی اختلافات، دادگاه‌های بیش از یک کشور صلاحیت رسیدگی به دعوا را داشته باشند؛ وضعیتی که می‌تواند به بروز دادرسی‌های موازی منجر شود. گرچه وصف یک‌جانبه بودن قواعد تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها امری طبیعی و از اقتضات حقوق بین‌الملل عمومی است، زیرا اقدام قانون‌گذار یک کشور برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های کشورهای دیگر تجاوز به حاکمیت آنهاست؛ اما آنچه غیرطبیعی و نابهنجار است، سوءاستفاده از وضعیت فعلی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها و اقامه دعاوی موازی در دادگاه‌های بیش از یک کشور است. حقوق مصر درباره دادرسی موازی حکمی ندارد و در حقوق ایران به‌نظر می‌رسد جمله پایانی ماده ۹۷۱ قانون مدنی مانع بروز دادرسی موازی نخواهد شد. با لحاظ این نکات، به‌نظر شایسته است قانونگذار ایرانی قواعد اختصاصی در تعیین موارد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نماید تا قضات ایران را از دشواری اعمال قواعد صلاحیت نسبی برای احراز صلاحیت بین‌المللی در دعاوی بین‌الملل خصوصی نجات دهد و در گام بعدی راهکارهایی برای کاهش بروز دادرسی‌های موازی، ازجمله پذیرش صریح توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه- با رعایت موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران- اتخاذ کند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. ابهری، حمید و برزگر، محمدرضا (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی ۱ (دعاوی و صلاحیت‌ها)*، تهران: مجد.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۷۹). *تعارض قوانین*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۶). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: میزان.
۴. شمس، عبدالله (۱۳۸۴). *آیین دادرسی مدنی (دوره جدید)*، تهران: دراک.
۵. صفایی، سید حسین (۱۳۷۴). *مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: میزان.
۶. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۷). *مسئولیت مدنی تطبیقی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. نصیری، مرتضی (۱۳۹۶). *تعارض قوانین در تجارت بین‌المللی*، تهران: جاودانه، جنگل.

- مقالات

۸. انصاری، اعظم (۱۳۹۴). *ضرورت همکاری بین‌المللی در اثبات قانون خارجی، حقوق خصوصی*، ۱۲(۱)، ۵۳-۷۴.
Doi: 10.22059/jolt.2015.55634
۹. سیدی آرانی، سیدعباس (۱۴۰۲). *مانع‌زدایی از هماهنگی راهکارهای دادگاه‌ها در موضوع توصیف (با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق فرانسه)*، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴(۳۳)، ۱۳۳-۱۶۷.
Doi: 10.22034/law.2023.49872.3066
۱۰. غمامی، مجید و اسماعیلی، حسین (۱۴۰۱). *تأثیر ارتباط دعاوی در مقررات صلاحیت و دادرسی، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۳(۲۹)، ۱۸۷-۲۱۶.
Doi: 10.22034/law.2022.46904.2944
۱۱. همایون مافی و رشید ادبی فیروزجایی (۱۳۹۳). *صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی، دانش حقوق مدنی*، ۳(۲)، ۴۳-۴۸.
Doi: 20.1001.1.23221712.1393.3.2.5.3

١٢. مقصودی، رضا (١٣٩٦). صلاحيت قضايی در حقوق بين الملل خصوصي، *حقوقی بين المللي*، ٣٤ (٥٦)، ٢١٣-٢٣٤.
Doi: 10.22066/cilamag.2017.25171

- آراي قضايی

١٣. دادنامه شماره ٩٠٠٧١٨، مورخ ١٣٩٠/٨/٢٨ ش، شعبه ٣ دادگاه عمومي حقوقی تهران.
١٤. دادنامه شماره ٩١٠١١٨٩، مورخ ١٣٩١/١١/٨ ش، شعبه ٢٧ دادگاه عمومي حقوقی تهران.

(ب) منابع عربي

- كتابها

١٥. البنموسی، مبروك (٢٠٠٣). *شرح مجلة القانون الدولي الخاص التونسي*، تونس: المغاربية للطباعة والنشر والاشهار.
١٦. الترجمان، محمد خالد (٢٠٠٣). *الاختصاص القضائي الدولي وأثار الأحكام الاجنبية*، القاهرة: شركة مطابع الطوبجي.
١٧. حداد، حفيظة (٢٠١٠). *النظرية العامة في القانون القضائي الخاص الدولي*، بيروت: الحلبي الحقوقية.
١٨. سلامة، احمد عبدالكريم (٢٠٠٠). *فقه المرافعات المدنية الدولية*، القاهرة: دار النهضة العربية.
١٩. عبدالله، عز الدين (١٩٨٦). *القانون الدولي الخاص*، القاهرة: الهيئة العامة للكتاب.
٢٠. عبدالعال، عكاشة (٢٠٠٠). *الإجراءات المدنية والتجارية الدولية في دولة الإمارات العربية المتحدة*، بيروت: الحلبي الحقوقية.
٢١. فهمي، محمد كمال (١٩٩٢). *أصول القانون الدولي الخاص*، الإسكندرية: مؤسسه الثقافية الجامعية.
٢٢. منزلاوي، صالح جاد (٢٠٠٨). *الاختصاص القضائي بالمنازعات الخاصة الدولية والإعتراف والتنفيذ الدولي للأحكام الأجنبية*، القاهرة: دار الجامعة الجديدة.

(ج) منابع انگلیسی

- Book

23. Sparka, Felix (2009). *Jurisdiction and Arbitration Clauses in Maritime Transport Documents -A Comparative Analysis*, Hamburg: Springer.

- Articles

24. Carroll, Lucy, (1984). Recognition of Polygamous Marriages in English Matrimonial Law: The Statutory Reversal of Hyde V. Hyde in 1972, *Journal of Muslim Minority Affairs*, 5(1), 81-98.
Doi: 10.1080/02666958408715884
25. Clermont, Kevin (2015). Governing Law on Forum-Selection Agreements, *Hastings Law Journal*, 66(3), 643-674.
26. Ebrahimi, Seyed Nasrollah (2010). "An Overview of the Private International Law of Iran", *Yearbook of Private International Law*, (12), 503-530. Doi: 10.1515/9783866539488.503
27. Lenhoff, Arthur (1964), International Law and Rules on International Jurisdiction, *Cornell Law Review*, 50(1), 5-23.
28. Morris, John Humphrey Carlile (1953). The Recognition of Polygamous Marriages in English Law, *Harvard Law Review*, 66(6), 961-1012.
29. Stebler, Simone (2013). The Problem of Conflicting Arbitration and Forum Selection Clauses, *ASA Bulletin*, 31(1), 27-44.
Doi: 10.54648/asab2013005
30. Taylor, David H. (1993). The Forum Selection Clause: A Tale of Two Concepts, *Temple Law Review*, 66(3), 856-785.

- Thesis

31. Salama, Nadia Ramzy (2015). *Nature, Extent, and Role of Parties' Autonomy in the Making of International Commercial Arbitration Agreements*, Doctoral Dissertation, the University of Manchester, the Faculty of Humanities.